

وقتی یک داور قربانی شد
اما تمام تلخی‌ها را شیرین کرد

از مقصری که طلایی المپیک شد

مدیران فوتبال ایران اکنون در شرایطی حامی داور بین‌المللی کشورمان و شریک افتخار او شده‌اند که در یک ماجرای جنجالی، تمام تقصیرها را به گردن او انداختند. گس بود؛ تلخ بود؛ اتفاقاتی که خیانت بود؛ خیانتی که جنجال بود؛ جنجالی که مقصران زیادی داشت؛ مقصرانی از جنس مدیران فوتبال ایران، اما مقصر تلخی‌ها، گس شدن دهان، خیانت و جنجال یک داور بود. نه به عقیده ما، بلکه به عقیده کسانی که مقصر بودند و یک نفر دیگر را قربانی کردند. به گزارش تسنیم دیدار تراکتورسازی تبریز- نفت تهران از هفته سیام لیگ برتر چهاردهم بود. ۲۵ اردیبهشت‌ماه ۹۴ و دیداری که هر ۲ تیم در آن شانس قهرمانی داشتند، اما در صورت تساوی آنها و پیروزی سپاهان، قهرمان لیگ در اصفهان جام را بالای سر می‌برد، اتفاقی که بعید بود رخ دهد، اما همه چیز دست به دست هم داد تا اتفاق بعید، رخ دهد. پشت پرده این ماجرا و اینکه پس از به تساوی کشیده شدن بازی تراکتورسازی و نفت (در حالی که تراکتورسازی ۳ بر یک از میهمان خود پیش بود) به چه شکل اعلام شد که بازی سپاهان با تساوی به پایان رسیده، اینکه گوینده ورزشگاه چگونه از هواداران خواست خود را آماده جشن قهرمانی کنند ... طولانی است. بارها نیز این ماجراها واکاوی شده است، اما امروز بحث چیز دیگری است. ماجرای بعد از این پشت‌پرده‌ها و مشخص شدن تمام اتفاقات؛ پس از پایان این بازی، تراکتورسازان و به‌دنبال آن هواداران این تیم فدراسیون فوتبال و پشت‌پرده اصفهانی‌ها را به قهرمانی سپاهان از تباطد دادند. اینکه مدیران اصفهانی فدراسیون فوتبال و مهدی تاج که رئیس وقت سازمان لیگ بود، شرایط را طوری رقم زده که تراکتورسازی قهرمان نشود و سپاهان جام را بالای سر ببرد، ادعایی که شاید کمی هم غیرمنصفانه بود و نباید در فوتبال نگاه قومی‌ت‌پسند، اما به‌ر حال این مسائل وجود داشت. این مسائل ادامه‌دار بود و باعث شد هواداران تراکتورسازی در برخی بازی‌های خانگی خود در لیگ پانزدهم هم علیه رئیس سازمان لیگ شعار بدهند. علی‌کاشانی هم برای بررسی این مسائل راهی تبریز شد، اما قرار نبود چیزی تغییر کند. قرار نبود قهرمانی به تراکتورسازی بازگردد، اما برای آرام کردن مردم تبریز نیاز به یک مرمم بود، نیاز به پیدا کردن یک مقصر بود، مقصری که تمام تلخی‌ها و جنجال‌ها را به گردن او انداخت.

مهدی تاج، رئیس وقت سازمان لیگ و رئیس فعلی فدراسیون فوتبال به فاصله ۶ روز پس از مسابقه به‌عنوان یکی از متهمان این ماجرا در حاشیه مراسم سالگرد درگذشت ناصر حجازی در این باره گفت: «همانطور که همه در جریان هستند، مشکل اصلی به دآوری مربوط می‌شد. با این حال بحث دآوری و ۲ دقیقه پایانی هنوز ماجرایش باز است و در حال بررسی هستیم.»

از همان موقع سعی شد علیرضا فغانی که داور آن مسابقه بود با سابقه قضاوت در فینال جام ملت‌های آسیا متهم جلوه داده شود. نه متهم بخشی از این ماجرا، بلکه متهم تمام اتفاقات. در نهایت ۲۰ خردادماه ۹۴ نیز گزارشی از سوی فدراسیون فوتبال به وزارت ورزش و جوانان ارسال شد تا متهمان دیدار تراکتورسازی و نفت تهران به این شکل محکوم شوند. فغانی محروم شد، او را مقصر جلوه دادند، اما این داور بدون توجه به این مسائل تلاش خود را در عرصه‌های بین‌المللی کرد. داور بین‌المللی فوتبال کشورمان پس از تمام این جنجال‌ها باز هم مورد حمایت فیفا و AFC بود تا جایی که باز هم به او قضاوت در فینال را دادند. فینال جام باشگاه‌های جهان در سال ۲۰۱۵ که یک طرف آن بارسلونا بود و فینال مسابقات فوتبال بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ ریو بین برزیل و آلمان که پس از فینال جام‌جهانی یکی از معتبرترین مسابقات نهایی فوتبال محسوب می‌شود. حالا فغانی افتخار آفرینی کرده؛ مدال طلایی المپیک را در آسر قضاوت گرفته و به موفقیتی بزرگ رسیده است. داور بین‌المللی فوتبال کشورمان که در جام‌جهانی ۲۰۱۴ برزیل هم حضور داشت، این بار هدف خود را حضور بسیار خوب در جام‌جهانی ۲۰۱۸ روسیه اعلام کرد و حتی به حضور در فینال هم فکر می‌کند. حالا مقصر تمام اتفاقات تبریز در المپیک طلایی شده است و مدیرانی که او را مقصر جلوه داده بودند و پشت این داور خود را قایم کردند، خود را شریک این افتخار می‌دانند. آنها حالا که موفقیتی حاصل شده، حامی فغانی شده‌اند؛ حالا که فغانی تمام آن مزه‌های گس و تلخ را تبدیل به شیرینی کرده است. شاید داورها که حالا با کمک رضا سخندان و حامید داوری منصور می‌توانند طلایی المپیک شده، با قربانی شدن در داخل کشور عزمش قوی‌تر شد تا این افتخار را کسب کند.

کاروان ایران با ۸ پله سقوط نسبت به دوره قبل در رتبه بیست و پنجم المپیک ایستاد

در حد اعتدال!



سال و محل برگزاری	رتبه‌نهایی	طلا	نقره	برنز	مجموع
۲۰۱۲ لندن (۱۳۹۱)	۱۷	۴	۶	۲	۱۲
۲۰۱۶ ریو (۱۳۹۵)	۲۳	۳	۱	۴	۸

گروه ورزشی: از روز نخستی که وزیر ورزش و جوانان در دولت یازدهم شروع به فعالیت کرد وعده‌های متعددی را به اصحاب رسانه داد که یکی از مهم‌ترین آنها تسریع و بهبود در ورزش قهرمانی بود. اما حالا بعد از ۳ سال می‌بینیم که کاروان ایران در المپیک سقوطی ۸ پله‌ای را تجربه می‌کند. کاروان ما در لندن موفق شد در جایگاه هفدهم قرار بگیرد آن هم با ۴ مدال زین طلا، ۶ نقره و ۲ برنز که در مجموع ۱۲ مدال در جایگاه هفدهم جهان ایستادیم. طبیعتاً اگر مسیر پیش روی وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک صحیح و عقلانی بود باید کاروان ایران در ریو نتایج بهتری می‌گرفت یا دست‌کم همان جایگاه قبل را حفظ می‌کرد. اما متأسفانه هم از تعداد مدال ۴ پله سقوط داشتیم و هم سقوط ۸ پله‌ای در جایگاه نهایی. کشوری که در المپیک ۲۰۱۲ توانسته بود ۴ مدال طلا بگیرد و مهم‌تر از آن ۶ نقره، انتظار می‌رفت در ریو با یک حرکت رو به جلو، دست‌کم جایگاه بهتری را به دست بیاورد. اما حالا سقوط ۸ پله‌ای و قرار گرفتن در رتبه ۲۵ المپیک نشان می‌دهد ضعف‌های بسیاری در کار بوده است. با این توجیه عجیب وزیر ورزش که حد ورزش ایران ۴ مدال است، صورت مساله پاک نمی‌شود. با خود‌کم‌بینی و مانعی‌توانیم به دنبال توجیه عدم مدیریت کلان در ورزش نباشیم. هیچ‌کس و خودمحموری می‌شود آیا از عملکرد خودش راضی

انتظار نداشت ما در قایقرانی، دوی مارا، بن‌دینتون و خیلی از رشته‌های دیگر مدال بیاوریم. اما چگونه می‌شود نایب قهرمان المپیک ۲۰۱۲ لندن ۴ سال بعد در ریو ناگهان بیست‌وچهارم می‌شود؟ با تصور اینکه احسان حدادی یک جرقه بوده و ما دیگر قادر به تکرار مدال آوری در دوامیدانی نیستیم تنها خودمان را توجیه کردیم. آیا انتظار طلا در توکوندو که ما از قهرمانان پلانمانع آن در جهان به حساب می‌آیم هم پرتوقی است؟ چگونه می‌شود فرنگی پرافتخار ۲۰۱۲ ناگهان ۳ مدال طلا و یک برنز را در ۲۰۱۶ تنها به ۲ برنز کاهش می‌دهد؟ بدون تردید برنامه و راهکارهای دولت یازدهم در امر ورزش با یک شکست بزرگ مواجه شده و بهترین ماسنج همین نتایج کاروان ایران در ریو ۲۰۱۶ است. وزارت ورزش و جوانان که بعد از حضور محمود گوهرزی وعده داده بود از این به بعد عملکردی و خردجمعی جایگزین سنتی عمل کردن و خودمحموری می‌شود آیا از عملکرد خودش راضی است؟ بدون شک وزارت ورزش نتنها هیچ حرکت رو به جلویی را برای ورزش انجام نداد که با اشتباهات استراتژیک خود، موجب سقوط ۷۸ پله‌ای کاروان ایران شد. رنگ خطر حالا به صدا در آمده است، چرا که اگر قرار باشد با همین فرمان جلو برویم قطعا در المپیک ۲۰۲۰ توکیو با سقوط بزرگ‌تری مواجه می‌شویم. آن وقت دیگر نمی‌شود توجیه کرد حد ورزش ما همین است. ما حد ورزش خود را در المپیک ۲۰۱۲ دیدیم. نه اینکه آن نتایج سقف آرزوهای ورزش ماست بلکه اگر مدیریت برنامهمحور و درست‌اندیش بر مسند کار بود باید همه تلاش خود را برای بیشتر کردن مدال‌ها به کار می‌بستیم نه اینکه منتظر سقوط ۸ پله‌ای بشینیم، بعداً توجیه کنیم ما همینیم. اگر امروز تلاشی برای عوض کردن این خط فکری نباشد، قطعا در آینده نه‌چندان دور با این تفکر مانعی‌توانیم و حدمان همین است، به جایگاهی می‌رسیم که تصور می‌کنیم اسطیرر در سال ۲۰۱۲ آن جایگاه را برای ما حاصل کردند.

سقوط در جایگاه و تعداد مدال

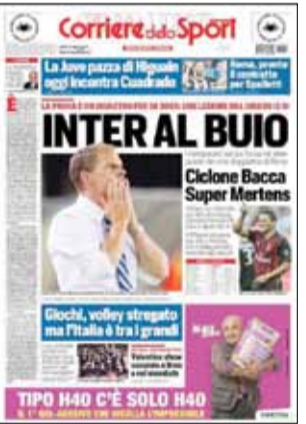
کاروان ورزش ایران در پایان سی‌ویکمین دوره بازی‌های المپیک با کسب ۸ مدال به کار خود پایان داد که نسبت به دوره گذشته ۴ مدال کمتر به دست آورد. سی‌ویکمین دوره بازی‌های المپیک با حضور بیش از ۱۰ هزار ورزشکار از ۲۰۶ کشور از ۱۵ تا ۳۱ مردامه به میزبانی شهر ریودوژانیرو برزیل برگزار شد و بامداد دوشنبه با مراسم اختتامیه به کارش پایان خواهد داد. کاروان ورزش ایران در دوره قبل که به میزبانی لندن برگزار شد با کسب ۱۲ مدال (۴ طلا، ۶ نقره و ۲ برنز) به عنوان هفدهمی دست پیدا کرد. اما در المپیک سی‌ویکم با کسب ۸ مدال در رده بیست‌وپنجم قرار گرفت. در این دوره کیانوش رستمی و سهراب مرادی در اوزان ۸۵ و ۹۴ کیلوگرم وزنه‌داری و حسن یزدانی در وزن ۷۴ کیلوگرم کشتی آزاد صاحب مدال طلا شدند، کمیل قاسمی در وزن ۱۲۵ کیلوگرم کشتی آزاد مدال نقره کسب کرد و سعید عبدولی و قاسم رضایی در اوزان ۷۵ و ۹۸ کیلوگرم کشتی فرنگی و حسن رحیمی در وزن ۵۷ کیلوگرم کشتی آزاد به مدال برنز رسیدند. عزیزاده هم در ۵۷-توکوندو آخرین برنز ایران را به دست آورده است.

کیوسک

مارکا
بانوی طلایی



کوریره
شکست اینتر



اسپورت
براوورفت



آس
قدرت



بسیاری از هواداران پرسپولیس نگران تعطیلی ۲۱ روزه لیگ شدند چون تیم آنها به خوبی لیگ را شروع کرده بود. اما آمادگی پرسپولیس در تمرینات موجب وجد هواداران شده و قطعا این تعطیلات موجب تقویت شاگردان برانکو خواهد بود. پرسپولیس شروعی توفانی در فصل جاری رقابت‌های لیگ برتر داشت و از ۴ بازی خود ۱۰ امتیاز به دست آورده و یکه و تنها در صدر جدول رده‌بندی جای دارد. شاگردان برانکو عملکرد خوبی از خود نشان دادند و بر خلاف فصل قبل از همان ابتدا عزم خود را برای کسب عنوان قهرمانی جزم کرده‌اند. معمولاً تعطیل شدن لیگ برای تیم‌هایی که در اوج به سر می‌برند و خوب نتیجه می‌گیرند خبر بدی است و برانکو هم به نوعی اعتراض خود را به تعطیلی یک ماهه لیگ به خاطر بازی تیمی‌های در انتخابی جام‌جهانی ۲۰۱۸ روسیه نشان داد اما به نظر می‌رسد این تعطیلی به سود پرسپولیس است و این تیم در ادامه قوی‌تر و بهتر کار خواهد کرد و این به چند دلیل است. در اوج بودن مهدی طارمی می‌تواند بهترین خبر برای برانکو و هواداران

پرسپولیس باشد. سرخ‌پوشان پایتخت فصل قبل بهترین خط حمله را به خود اختصاص دادند و این به خاطر آمادگی بسیار بالای طارمی و علی علیپور بود اما در فصل جاری با وجود آنکه سرخ‌پوشان خوب کار کرده‌اند اما خط حمله این تیم آمار خوبی نداشته است. هر چند طارمی در دیدار برابر صبا یک گل ۳ امتیازی به ثمر رساند اما او فرصت‌های زیاد را از دست نداد و نشان داد نه از تمرکز لازم برخوردار است و نه مثل فصل قبل آماده است. اردوی تیم‌ملی و تمرینات اختصاصی و سختی که کارلوس کی روش برای ملی‌پوشان در نظر گرفته است می‌تواند طارمی را آماده به تمرین پرسپولیس بازگرداند و برانکو او را با راحتی و با فراغ بال در ترکیب اصلی قرار دهد. برانکو یوانکوویچ در فصل جدید تصمیم گرفته است از محمد انصاری به عنوان زوج سیدجلال حسینی استفاده کند؛ این درحالی

وقتی نوع تمرینات پرسپولیس هواداران را به وجد می‌آورد
پرسپولیس با قدرت شروع می‌کند

است که این بازیکن جوان فصل قبل در جناح چپ بازی‌های درخشانی را به نمایش گذاشت اما چون به خاطر زوج مورد اعتماد حسینی را نداشت ترجیح داد از انصاری استفاده کند که اتفاقاً این بازیکن عملکرد درخشانی داشته است. اما جناح چپ پرسپولیس به ربیع‌خواه واگذار شده است. حضور این بازیکن در بال چپ با انتقادهای زیادی مواجه شده است و گلی که پرسپولیس در دیدار برابر فولاد خورد نشان داد این تیم می‌تواند از سمت ربیع‌خواه آسیب پذیر باشد. با وجود انتقادهایی که از این بازیکن جوان می‌شود اما برانکو او عملکرد او بسیار راضی است. ربیع‌خواه با وجود اینکه یک اشتباه بد داشته اما عملکرد خوبی از خود نشان داده است و آینده درخشانی در انتظار این بازیکن است اما او در کارهای هجومی کمتر شرکت می‌کند و این می‌تواند بازکنی مضموم در این مدت نداشته باشد.

اعتماد بنا به پیرمردها جواب نداد تصمیمی که آقای خاص را ضربه کرد

محمد سررشته‌داری: گوهرزی در چند نوبت به اردوی کشتی فرنگی سرکشی کرد و حتی این گوش شکسته با فرنگی کاران تمرین کرد. در واقع بعد از نامه سرگشاده رسول خادم به حسن روحانی، گوهرزی نتنها به کشتی آزاد سر نزد بلکه نوعی بی‌تفاوتی نسبت به این رئیس فدراسیون نشان داد. قاعدتا برای رسول خادم که برخلاف امیررضای‌شان درست سر جای خودش نشسته و مدیریت می‌کند، سخت بود رئیس فدراسیونی باشد که مربی کشتی فرنگی‌اش بسا وزیر نرشم صبحگاهی انجام می‌دهد. رسول اما مثل دوران کشتی‌گیری خود عمل کرد، باهوش و مردانه، او با وجود برخی دلخوری‌ها تقریباً همه درخواست‌های بنا را انجام داد و هیچ چیز برای فرنگی کم و کسری نگذاشت. او طوری مدیریت می‌کرد که انگار در حال کشتی با خادراتسوف روس است یا کوین جکسون آمریکایی. آن هم مرد و مردانه. گریه‌های بنا خیلی‌ها را اذیت کرد، بنساحتما یکی از خوش‌غیرت‌های کشتی است، آقای خاص مردی است از جنس غیرت. بسا این وجود او اشتباهاتی داشت، با وجود آنکه آقای خاص از حمایت مردم و وزیر به صورت خاص برخوردار بود، مرکب اشتباهاتی شد که رقبا را به او مسلط کرد و از آنها فن کمر خورد. بنای کشتی فرنگی، «بنای» کشتی فرنگی را روی نامدارها بنا کرد، آنها که شاید سیر و شاید خسته شده بودند و شاید اسیر دیپلماتیک و به جبر زمان آثار پیری روی صورت می‌دیدند. سنگ بنا آنجا غلط شد که بنا همان تیم لندن را به ریو برد! این طراحی غلط بود، برخی از آنها که در لندن رستم دستان بودند، در ریو رخت پیشکوتوب بر تن کرده بودند! اما بنا همان کرد که خیلی از ممتازها و استادها و افتخارآفرینان می‌کنند، او روی دیوار قهرمانان قدیمی یادگاری نوشت، مثل پروین که روی دیوار استیلی و رهبری‌فرد و انصاریان و ناصر ابراهیمی و... یادگاری نوشت تا مسردی را که در تهران به خاطرش ترافیک راه می‌افتاد برخی با پوست پرتقال بزنند. به سنن و سال فرنگی کارها نگاه کنید؛ امید نوروزی ۳۱ سال، بشیر باباجان‌زاده ۲۷ سال، حبیب اخلاقی ۳۱ سال، حمید سوریان ۳۱ سال، سعید عبدولی ۲۷ سال، قاسم رضایی ۳۱ سال و میانیسن: ۲۹/۶۶۶ یعنی تقریباً ۳۰ سال! حال ببینید رسول چگونه ریو را مثل قدیم‌ها بزکش و مال خود کرد؛ حسن رحیمی ۲۷ سال، حسن یزدانی ۲۲ سال، رضا یزدانی ۳۲ سال، کمیل قاسمی ۲۹ سال، میثم نصیری ۲۷ سال، علیرضا کریمی ۲۲ سال و میانیسن: ۲۶/۵. رسول خادم در واقع ۵۰ درصد کشتی‌گیرانش را در فاصله لندن تا ریو عوض کرد و اجازه داد گرسنه‌ترها «از منظر افتخار» و جوان‌ترها وارد گود شوند. نکته اینجاست که در میان همه اینها حسن یزدانی که از همه کوچک‌تر بود طلا گرفت و سوریان «اسطوره فرنگی ایران» که از همه غول‌تر بود بدترین شکست را دریافت کرد. در واقع بنا، سنگ بنا را اشتباه گذاشت آنجا که از خودش دور شد و دیگر بنا نبود، او فقط مهندس تغذیه شد و ورزش. بنا حتی جلوی کشتی‌های انتخابی را هم گرفت، خودش شد ترازو، شد میزان، شد باسکول! خودش تشخیص می‌داد، با متر خودش انتخاب می‌کرد که چه کسی به ریو برود، در حالی که برای این کار انتخابی وجود دارد که ترازویی بسیار دقیق‌تر از ترازوی چشم بنا و بناهاست و عدد مشخص دارد، علم دارد، مقیاس و متر تابلوی نتایج دارد. بنا تیمی پیر را به ریو برد اما رسول تیمش جوان‌تر و جسورتر بود، جلب اینجاست که نمایش حسن یزدانی بهترین نمایش ریو بود و اتفاقاً او جوان‌ترین فرد اردو بود. بنا اما اشتباهی نوشته بود، راه را اشتباه رفته بود. شاید گریه‌های مردانه بنا هم به همین دلیل بود. شاید او بدل خورده بود، مهندسی کشتی‌اش اشتباه بود و این را با آخرین شکست فرنگی کاران فهمید، شاید هم زودتر همان موقع که سوریان- این نخبه کشتی فرنگی جهان- زیر دست آن ژاپنی لعنتی در حال خفه شدن بود و زیر دست قزاق تحقیر شد. بنا سنگ بنا را اشتباه ریخته بود، او به جوان‌ترها اجازه جنگیدن نداده بود و فراموش کرده بود که «جایی برای پیرمردها نیست». حالا شاید وزیر ورزش هم به خود بیاید و بهتر متوجه شود که حمایت زیاد عزیزکرده‌های کشتی ایران، امثال بنا و سوریان را هم که هیبت بزرگی داشتند می‌تواند دچار اشتباه کند. شاید اگر عنان کار در دست رسول خادم به عنوان رئیس متخصص فدراسیون بود، خود بنا به جای گریه، خنده‌های دندان‌نمسا می‌کرد و سوریان به عنوان نماد، با کت و شلوار شیک، مثل افسانه‌ها بیننده کشتی‌ها در ریو بود و همه کشتی‌گیران فرنگی جهان دنبال سلفی گرفتن با او بودند نه ضربه فنی کردنش!